



علامه سیدمحمدحسین طباطبایی

علامه طباطبایی، حکیمی الهی، مفسر قرآن، اسلام شناس و فقیهی بزرگ و دانشمندی آگاه بود که اندوخته‌های فراوانی در زمینه **فلسفه شرق** و **فلسفه غرب** داشت. او در علومی چون: **ادبیات**، **کلام**، **نجوم**، **هیئت** و **ریاضیات** سرآمد بود. آثار علمی او در زمینه‌های مختلف، هر کدام گواه صادقی بر احاطه و عظمت مقام علمی وی است.

فهرست مندرجات

- ۱ - سپیده سیادت
- ۲ - طفولیت و توفان حوادث
- ۳ - اساتید
- ۴ - بازگشت به تبریز
- ۵ - هجرت به قم
- ۶ - یادگارهای ماندگار
- ۷ - شاگردان
- ۸ - علامه در کلام شهید مطهری
- ۹ - جلوه‌های جاودانه
 - ۹.۱ - ارادت به اهل بیت
 - ۹.۲ - شرح صدر علامه
 - ۹.۳ - آینه اخلاص
 - ۹.۴ - تعبد و بندگی
 - ۹.۵ - اخلاق علامه در منزل
 - ۹.۶ - شناخت مقتضیات زمان و مکان
 - ۹.۷ - همراه با امام و همگام با انقلاب
 - ۹.۸ - جلوه‌های هنری و ادبی علامه
 - ۹.۹ - سرانجام
- ۱۰ - بانویس
- ۱۱ - منبع

سپیده سیادت

روزهای ماه «ذیحجه» ۱۳۲۱ ق. یکی پس از دیگری می‌گذشت و دل‌های شیفتگان بی‌الله در هوای حرم الهی «لیک شوق» سر می‌داد. یاد عرفات و نام مشعر عطش دیدار به جان‌ها داده بود. ناگاه «کعبه کرامت الهی» زیبا چهره‌ای نورانی را در آغوش پدر و مادری مهربان نهاد. گویی بار دیگر «زمزم» لطف خداوندی رخ نشان داده است. آری طفلی دیده به جهان گشود که نور سیادت بر سیمای بلورینش آینده‌ای روشن را خیر می‌داد. نام او را «محمدحسین» نهادند و آن را به تبرک نام «جد» و فرزند «ماه برکت» شمردند. زیرا خاندان محمدحسین، خانواده‌ای اصیل بود که همواره بیرق بزرگی در دست داشته و شهر تبریز لبریز از نام آنان بوده است. «سراج‌الدین عبدالوهاب» جد معروف اوست که با وساطت وی، نبرد خونین دولت ایران و عثمانی، در سال ۹۳۰ قمری پایان یافت و «مرحوم میرزا محمدتقی قاضی طباطبایی» شخصیت دیگری است که از قرن‌ها پیش تاکنون شرافت و بزرگواری را از آن خاندان بزرگ قاضی طباطبایی تبریز کرده است.

طفولیت و توفان حوادث

دوران کودکی «محمدحسین» با توفان حوادث و بلا همراه بود. بیش از پنج بهار از عمر عزیزش نگذشته بود که مادری مهربان و با فضیلت را از دست داد. بغض و غم و اندوه بی‌مادری او را رها نکرده بود که گرد یتیمی بر وجودش سنگینی کرد و از دیدن روی پدر محروم شد. همراه با برادر کوچک‌تر خود تنها ماند اما همراه دست لطف خداوندی سایه‌بان مرحمتی بر سر او بود. مدت زیادی از تحصیل او نمی‌گذشت که علاوه بر **قرآن مجید**، کتاب‌های **گلستان**، **بوستان**، **اخلاق مصور**، **تاریخ معجم**، **ارشاد الحساب**، **نصاب الصبایان** و دیگر کتاب‌های متداول در مدارس آن روز را فرا گرفت. **صرف و نحو** و **معانی** و **بیان** را نزد استاد خویش مرحوم شیخ **محمدعلی سربابی** آموخت و پس از آن با گامی بلند و همتی فراتر، سطوح عالی در **فقه**، **اصول**، **فلسفه** و **کلام** را در زادگاه خود نزد اساتید آن خطه تحصیل کرد. روح لطیف او، ذوقی هنری به وی بخشیده بود. دستمایه‌ای که با کمک آن توانست خوشنویسی را در اوایل عمر خود از آقا میرزا علی‌نقی بیاموزد.

با سپری شدن ایام تلخ و ناکامی طفولیت، شکوفه‌های رشد و تکامل بر شاخسار وجود سید محمدحسین نمایان شد. وی از سال ۱۲۹۷ ش. تا ۱۳۰۴ علوم بسیاری آموخت. در این مدت، تمامی درس‌های مربوط به سطح را فراگرفت و با شور و شوق بسیاری کتاب‌های مربوط به **ادبیات**، **فقه**، **اصول**، **کلام** و معارف اسلامی را آموخت.

او خود از روزگار تحصیل خود چنین بازگو می‌کند:

«در اوایل تحصیل که به نحو و صرف اشتغال داشتم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این روی هرچه می‌خواندم نمی‌فهمیدم... پس از آن یک بار عنایت خدایی دامنگیرم شده، عوض کرد. در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم به‌طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که تقریباً هیجده سال کشید هرگز نسبت به **تعلیم** و **تفکر**، احساس خستگی و دل‌سردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم... در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی، به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم بسیار می‌شد - به‌ویژه در بهار و تابستان - که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم...»

[۱] جمعی از فضلا و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۵۳.

عشق و شور به تحصیل و تکامل استاد را بر آن داشت که از شهر خویش رو به سوی، سینای اسرار «**نجف اشرف**» هجرت کند. تا از شراب عشق **علی**

(علیه‌السلام) جامی نوشیده و طریق معرفت و راه رستگاری را بهتر و بیشتر بیاماید.

با اولین نگاه به قبه و بارگاه امیرالمؤمنین آخرین کلام خویش را زده و می‌فرماید: «با علی! من برای ادامه تحصیل به محضر شما شرفیاب شده‌ام ولی نمی‌دانم چه روشی پیش گیرم... از شما می‌خواهم که در آنچه صلاح است، مرا راهنمایی کنید» چند روزی نمی‌گذرد که نصرالله و باری الهی به دست مولای متقیان به سوی استاد می‌آید. شخصیت وارسته‌ای چون حاج میرزا علی آقا قاضی «قدس سره» به سراغ وی آمده و خطاب به او اینگونه می‌گوید: «کسی که به قصد تحصیل به نجف می‌آید خوب است علاوه بر تحصیل، از فکر تهذیب خود غافل نماند.» کیمیای وجود مرحوم قاضی، روح و روان استاد را دگرگون کرده و برنامه‌های روشن و نورانی برای آینده او ترسیم می‌کند. از آن روز کتابی دیگر از زندگی استاد فرزانه باز می‌شود که صفحه آغازین آن با این جمله شروع می‌گردد:

علم نبود غیر «علم عاشقی»... مابقی تلبیس ابلیس شقی (شیخ بهایی (رضوان... علی))

اساتید

مفسر فرزانه مدت یازده سال در کنار مرقد نورآفرین امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسب علم کرده وی خوشه چین زبردست بود که بیشترین استفاده را از فرصت فراهم آمده نمود. فقه، اصول، فلسفه، ریاضیات، رجال را از محضر اساتیدی والامقام فراگرفت. بزرگانی چون: حاج میرزا علی ایروانی، آیت‌الله نائینی، شیخ محمدحسین اصفهانی، سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدعلی سرابی، سیدحسین بادکوبی، سیدابوالقاسم خوانساری، آیت‌الله حجت کوه کمری، میرزا علی‌اصغر ملکی، آیت‌الله حاج میرزا علی آقا قاضی.

سر سلسله اساتید ایشان مرحوم قاضی است. شخصیتی که «سیدمحمدحسین» را «علامه» کرد و جام وجود این انسان پاک را جرعه‌های حیات ابدی و معنویت جاودانه بخشید. مرحوم علامه پیرامون استاد خود مرحوم قاضی چنین می‌فرماید: «ما هرچه داریم... از مرحوم قاضی داریم. چه آنچه را که در حال حیاتش از او تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم و چه طریقی که خودمان داریم و از مرحوم قاضی گرفته‌ایم»

بازگشت به تبریز

دست تقدیر، رجعت فرزانه اندیشمند را رقم زد. پس از سالها اندوختن معارف ناب، در سال ۱۳۱۴ ش مجبور به بازگشت به زادگاه خویش گردید. دوران تلخ کامی و غربت از مهد علم و دانش از این زمان شروع شد اما مدتی نگذشت که لطف خفی الهی خود را از سر پرده حکمت خداوندی نشان داد. کار تدریس و تحقیق شروع شد و اولین غنچه‌های «المیزان» با نمودی در «بحارالانوار» بر شاخسار علامه رویید.

هجرت به قم

دوران ده ساله اقامت علامه در تبریز همراه با تدریس و تالیف سپری شد و فصلی جدید از حیات وی را فراهم کرد. تا اینکه «فیض روح‌القدس» بار دیگر مدد فرمود و با آمدن چنین ایه‌ای در استخاره، علامه راهی قم گردید: «هنالیک الولایة لله الحق هو خیر ثواباً و خیر غیباً» [۲] کف/سوره ۱۸، آیه ۲۴.

(در آنجا، یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش و بهترین فرجام) و آن روز حوزه علمیه قم از ضریات سهمگین رضاخان، رهایی یافته بود و با حضور آیات و مراجع بزرگوار چون آیت‌الله بروجردی انسجام بیشتری پیدا کرده بود، فرصتی طلایی فراهم آمده بود تا علامه طباطبایی، نیازهای جامعه را سنجیده و بر طبق آنها، برنامه‌های منظم و کارآمد تنظیم کند. تفسیر و فلسفه درس‌هایی بود که - بر اساس احساس و وظیفه علامه - شروع شد و تعجب بسیاری را برانگیخت چرا که تدریس تفسیر دانشی به دور از تحقیق تلقی می‌شد اما پشتیبان و اخلاص علامه کار را بدانجا رساند که «المیزان» حاصل سال‌های تلاش و تدریس گردید.

درس فلسفه نیز در آن عصر خوشنام نبود. از این‌رو تلاش‌های بسیاری در تعطیل این درس انجام می‌شد اما رفتار مؤدبانه استاد و برخورد مهربانانه آیت‌الله العظمی بروجردی ابرهای تیره سوء تفاهم‌ها را کنار زد و سعایت‌ها را بی اثر نمود.

[۲] جمعی از فضلا و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۴۲.

به هر روی تشکیل جلسات عمومی و خصوصی این عالم فرهیخته و حضور شاگردان اندیشمندی چون آیت‌الله مطهری باعث نقد و بررسی فلسفه‌های غربی - مخصوصاً ماتریالیسم دیالکتیک - گردید و آثار و برکات جاودانه‌ای در تدوین کتب فلسفی به همراه خود آورد.

... هر روز که سپری می‌شد ابعاد علمی و چهره چشمگیر علامه بیشتر از گذشته نمایان می‌شد. شعاع شخصیت این استاد فرزانه به داخل کشور محدود نگردید، بلکه اندیشمندان بسیاری را به سوی خویش کشاند و در تمام ابعاد اسلام به بحث و گفتگو با آنان منجر شد. این عظمت بدانجا انجامید که دولت آمریکا توسط شاه ایران از علامه دعوت رسمی کرد تا در دانشگاه‌های آن کشور «فلسفه شرق» را تدریس نماید! روح بلند و بینش کم‌نظیر علامه دست رد به آن همه اصرار زد. او زندگی محقرانه در قم و جلسات درس با طلاب و تربیت شاگردانی فاضل را بر تمامی ظواهر فریبا ترجیح می‌داد.

[۴] سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، مه‌رتابان، ص ۲۸.

یادگارهای ماندگار

«انبوه دانش» و «کیمیای ایمان» علامه آثاری گرانبها و جاودانه بسان مشعلی فروزان فرا راه دانش‌پژوهان آفرید کتاب‌هایی چون:

- ۱- تفسیر المیزان
- دائرةالمعارفی از معارف و در بردارنده بحث‌های اعتقادی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و... با تکیه بر قرآن کریم. اثری سترگ که استاد شهید مطهری ۶۰ سال یا ۱۰۰ سال دیگر زمان درک عمق و ارزش این کتاب می‌داند.
- [۵] مرتضی مطهری، رک: احیاء تفکر اسلامی.
- این کتاب ثمره‌ای کم‌نظیر از بیست سال تلاش شبانه‌روزی علامه است. نقطه آغازین این تالیف به برکت غور و ژرف‌نگری در روایات بحارالانوار بود علامه سبک این تفسیر را از مرحوم قاضی اموخت و در قم عملی ساخت.
- ۲- بدایة الحکمه
- کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دستیاران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور گردید.
- ۳ - نهایة الحکمه
- این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزون‌تر و سطحی عالی‌تر تدوین شده است.
- ۴ - اصول فلسفه و روش رئالیسم
- بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیست‌ها باعث فراهم آوردن این اثر گردید برکت این کتاب موجب هدایت بسیاری از جوانان مسلمان و نجات آنان از هلاکت کفر و الحاد شد. اثری که پاورقی‌های استاد مطهری عنایتی افزون بدان بخشیده است.
- ۵ - حاشیه بر کفایه
- کتابی اصولی پیرامون قوانین استنباط است که به‌تازگی چاپ شده است.
- ۶ - شیعه در اسلام
- دوره‌ای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم می‌خورد.
- ۷ - مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین
- او که محقق فرانسوی است پیرامون چگونگی شیعه و مباحث اعتقادی و... مذاکراتی با علامه داشته که در این کتاب وجود دارد.
- ۸ - خلاصه تعالیم اسلام
- خلاصه آنچه هر مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، در این اثر بیان شده است.
- ۹ - روابط اجتماعی در اسلام
- انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.
- ۱۰ - بررسی‌های اسلامی
- مجموعه‌ای است زرین از مقالات استاد که بسان دائرةالمعارفی از معارف ناب اسلامی جمع‌آوری شده است.

کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش‌آموزان نوشته شده است.

۱۲ و ۱۳ و ۱۴- رساله انسان قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا
این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوامل سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.
۱۵ تا ۲۱- رساله‌هایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف، ... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

۲۲- دیوان شعر فارسی

مجموعه‌ای از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.

۳۳- سنن التبی

سیره و روش رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم می‌خورد.

۳۴- لب‌اللیاب

مجموعه درس‌های اخلاق استاد که از سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلاء حوزه قم بیان فرموده‌اند.

۴۶- حاشیه بر اسفار

نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع‌آوری شده است.

[۶] جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۹۱ - ۲۱۲.

شاگردان

«همای همت» علامه، باعث تربیت «مه‌گونه‌هایی» شده تا آنگاه که خورشید وجودش رخ در نقاب خاک می‌کشد، اینان چون ماهتاب هدایت نورافشانی کنند. شاگردان علامه، ده‌ها نفر از بزرگان و فرهیختگان کنونی در حوزه‌های علمیه می‌باشند که به تنی چند از آنان اشاره می‌شود.
حضرات آیات و حجج اسلام:

- ۱- شهید مرتضی مطهری، ۲- شهید سیدمحمد حسینی بهشتی، ۳- امام موسی صدر، ۴- ناصر مکارم شیرازی، ۵- شهید مجد مفتوح، ۶- شیخ عباس ایزدی، ۷- سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، ۸- عزالدین زنجانی، ۹- محمدتقی مصباح بزدی، ۱۰- ابراهیم امینی، ۱۱- یحیی انصاری، ۱۲- سیدجلال‌الدین آشتیانی، ۱۳- سیدمحمدباقر ابطی، ۱۴- سیدمحمدعلی ابطی، ۱۵- سیدمحمدحسین کاله زاری، ۱۶- حسین نوری همدانی، ۱۷- حسن حسن‌زاده آملی، ۱۸- سیدمهدی روحانی، ۱۹- علی احمدی میانجی، ۲۰- عبدالله جوادی آملی، ۲۱- جعفر سبحانی، ۲۱- حسینعلی منتظری، و...

علامه در کلام شهید مطهری

استاد شهید مطهری درباره علامه چنین می‌گوید: «این مطالب را من هم‌اکنون از علامه طباطبایی گرفته‌ام، یعنی اصولاً من بیشتر مطالبی را که در کتاب‌ها و نوشته‌های خود دارم، شاید ریشه‌هایش را از علامه طباطبایی و خصوصاً از المیزان گرفته‌ام. علامه طباطبایی خیلی شخصیت عجیبی است. ایشان یک سبک بیان و اسلوب خاصی دارند. مطالب عالی، عالی‌ترین مسائل و معارف را آن چنان به راحتی و در جملات کوتاه بیان می‌فرمایند که وصف ناشدنی است و حتی خودشان هم گاه توجه ندارند، یعنی به نظر من ایشان مطالب را در یک حالت الهام مانند می‌نویسد»
[۷] سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، مه‌تابان، ص ۴۴.

جلوه‌های جاودانه

علامه طباطبایی این عالم سترگ و تابناک، چهره‌ای الهی بود که با دو بال قرآن و عترت پرواز کرد. به بلندای جاودانگی و ابدیت رسید و برای همیشه اسطوره‌ای شکوهمند گردید. در این فرصت برآنیم تا گوشه‌هایی از زندگی سراسر روشن او را یادآور شویم.

← ارادت به اهل بیت

استاد هفته‌ای یک بار - حداقل - به حرم حضرت معصومه (علیها‌السلام) مشرف می‌شد. پیاده می‌رفت و در بین راه اگر پوسته پرتقال یا خیار و یا موز می‌دید با ته عصا آن را از مسیر مردم کنار می‌زد. در ایام تابستان غالباً به مشهد مقدس مشرف می‌شد. شب‌ها به حرم امام رضا (علیه‌السلام) رفته، در بالای سر می‌نشست و با حال خضوع و خشوع به دعا و زیارت می‌پرداخت. به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) علاقه بسیاری داشت و با کمال ادب و احترام از آنها نام می‌برد، در مجالس روضه خوانی شرکت می‌کرد و برای مصایب اهل بیت شدیداً اشک می‌ریخت»
[۸] ابراهیم امینی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

«علامه در ماه رمضان روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه (علیها‌السلام) افطار می‌کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می‌شد، ضریح مقدس را می‌بوسید سپس به خانه می‌رفت این ویژگی اوست که مرا به شدت شیفته ایشان نموده است»
[۹] مجله پیام انقلاب، ۱۹/۸/۱۳۶۳، از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری.

«فعالیت‌های شبانه‌روزی علمی، او را از توسل در عرض ادب به پیشگاه مقام رسالت و ولایت باز نمی‌داشت. ایشان موفقیت خویش را مرهون همین توسلات می‌دانست. و آنچنان به سخنان معصومین احترام می‌گذاشت که حتی در برابر روایات مرسل و ضعیف‌السند هم به احتمال این که از بیت عصمت صادر شده است، رفتار احتیاط آمیزی داشت. و برعکس کوچک‌ترین سوء ادب و کزاندیشی را نسبت به این دودمان پاک و مکتب پرافتخار تشیع قابل چشم‌پوشی نمی‌دانست...»
[۱۰] محمدتقی مصباح بزدی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۳۷.

«آن‌گاه که نام یکی از معصومین (علیهم‌السلام) برده می‌شد اظهار تواضع و ادب در سیمای ایشان مشهود می‌شد و نسبت به امام زمان (علیه‌السلام) تجلیل خاصی داشته مقام و منزلت آنها و حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حضرت صدیقه کبری (علیها‌السلام) را فوق تصور می‌دانستند. یک نحو خضوع و خشوع واقعی نسبت به آنها داشته و مقام و منزلت آنان را ملکوتی می‌دانستند»
[۱۱] سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، مه‌تابان، ص ۵۶.

← شرح صدر علامه

یکی از شاگردان ایشان که مدت سی سال با استاد مانوس بوده، پیرامون خصوصیات اخلاقی آن عالم فرزانه چنین نوشته است:
«علامه انسانی وارسته، مهذب، خوش اخلاق، مهربان، عقیف، متواضع، مخلص، بی هوا و هوس، صبور، بردبار، شیرین و خوش مجلس بود. من در حدود سی سال با استاد حشر و نشر داشتم... به یاد ندارم که در طول این مدت حتی یک بار عصبانی شده باشد و بر سر شاگردان داد بزند یا کوچک‌ترین سخن تندکی یا توهین آمیزی را بر زبان جاری سازد. خیلی آرام و متین درس می‌گفت و هیچ‌گاه داد و فریاد نمی‌کرد، خیلی زود با افراد انس می‌گرفت و صمیمی می‌شد. با هرکس حتی کوچک‌ترین فرد طلاب چنان انس می‌گرفت که گویا از دوستان صمیمی اوست... گاهی که به عنوان استاد مورد خطاب قرار می‌گرفت می‌فرمود: «این تعبیر را دوست ندارم ما اینجا گرد آمده‌ایم تا با تعاون و هم‌فکری، حقایق و معارف اسلامی را دریابیم» استاد بزرگوار بسیار مؤدب بود به سخنان دیگران خوب گوش می‌داد، سخن کسی را قطع نمی‌کرد و اگر سخن حقی را می‌شنید تصدیق می‌کرد، از مباحثات جدلی گریزان بود ولی به سؤال‌ها، بدون خودنمایی پاسخ می‌داد»

- [۱۲] ابراهیم امینی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۲.
 [۱۳] ابراهیم امینی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۴.
 [۱۴] ابراهیم امینی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۸.

یکی از شخصیت‌های **مارکسیست** با علامه به بحث و گفتگو نشستند بود و سرانجام موحد و مسلمان گردید هنگامی که یکی از دوستان او پیرامون مناظره و گفتگوی دوست خود با علامه پرسش کرد، وی شخصیت علامه را اینگونه بازگو می‌کند: «آقای طباطبایی مرا موحد کرد. هشت ساعت ما با هم بحث کردیم. یک **کمونست** را الهی و یک مارکسیست را **موحد** کرد او حرف توهین‌آمیز هر کافری را می‌شنید و نمی‌رنجید و پرخاش نمی‌کرد.» [۱۵] عبدالله جوادی آملی، یادها و یادگارها، ص ۵۸ - ۵۹.

← آینه اخلاص

استاد جعفر سبحانی روحیات علامه را چنین توصیف می‌کند: «ما با این‌که با ایشان انس بیشتری داشتیم یک بار هم به خاطر نداریم که مطلبی را به عنوان تظاهر به علم یادآور شود یا سخن را سؤال نشده از پیش خود مطرح کند.» [۱۶] عبدالله جوادی آملی، یادها و یادگارها، ص ۵۹.

هنگامی که یکی از علمای **حوزه علمیه قم** از تفسیر عظیم المیزان در حضور ایشان تعریف می‌کند، علامه با نیم‌نگاهی به او می‌فرماید: «تعریف نکن که خوشم می‌آید و ممکن است خلوص و قصد قربتم از بین برود» [۱۷] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۷/۱۳۶۴.

و آنگاه که یکی از اساتید اندیشمند حوزه رساله امامت خود را برای نظریاتی خدمت علامه می‌دهد، ایشان پس از مطالعه می‌فرماید: «چرا دعای شخصی کردید؟ (بار الها توفیق فهم آیات الهی را به اینجانب مرحمت بفرما) چرا در کنار سفره الهی دیگران را شرکت ندادی... تا آنجایی که خودم را شناختم، دعای شخصی در حق خودم نکردم.» [۱۸] عبدالله جوادی آملی، یادها و یادگارها، ص ۸۲ - ۸۴.

← تعبّد و بندگی

استاد فرزانه، مرحوم علامه از مرز مراعات **واجبات** و **مستحبات** یا فراتر گذارده و خود را مقید به **ترک اولی** کرده بود و همیشه ذکر الهی بر لب داشت و هیچگاه از توجه به **پروردگار غافل** نمی‌شد. «**اخلاق** ایشان اخلاقی قرآنی بود، گویا اخلاقی «قرآن» بود. هر آیه‌ای که **خداوند** در قرآن نصب‌العین انسان کامل می‌داند ما در حد انسانی که بتواند مبین و مفسر قرآن باشد در این مرد بزرگ می‌یافتیم. مجلس ایشان، مجلس ادب اسلامی و خلق الهی بود و ترک اولی در ایشان کمتر اتفاق می‌افتاد. نام کسی را به بدی نمی‌برد. بد کسی را نمی‌خواست و سعی می‌کرد **خیر** و **سعادت** همگان را مسئلت کند» [۱۹] عبدالله جوادی آملی، یادها و یادگارها، ص ۶۱.

طهارت باطن استاد زبازد خاص و عام بود. بسیاری از شبها را تا صبح به **عبادت** و **بیتونه** می‌پرداخت. در ماه مبارک رمضان فاصله بین غروب آفتاب تا سحر را به **تهجد** ذکر مشغول بود.

← اخلاق علامه در منزل

دختر استاد چگونگی برخورد پدر خود را با اطرافیان اینگونه بیان می‌کند: «**اخلاق** و رفتار ایشان در منزل «محمّدی» بود. هرگز عصبانی نمی‌شدند و هیچ وقت صدای بلند ایشان را در حرف زدن نشنیدیم. در عین ملایمت، بسیار قاطع و استوار بودند و مقید به نماز اول وقت، بیداری شب‌های ماه رمضان، **قرائت قرآن** با صدای بلند و نظم در کارها بودند. دست رد به سینه کسی نمی‌زدند و این به سبب عاطفه شدید و وقت قلب بسیار ایشان بود. ... بسیار کم حرف بودند، برحرفی را موجب کمی حافظه می‌دانستند. بسیار ساده صحبت می‌کردند به طوری که گاهی آدم گمان می‌کرد این یک فردی عادی و عامی است... می‌گفتند شخصیت را باید **خدا** بدهد و با چیزهای دنیوی هرگز انسان شخصیت کسب نمی‌کند... آرام و صبور با مسائل برخورد می‌کردند. با این که وقت زیادی نداشتند ولی طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که روزی یک ساعت بعد از ظهرها در کنار اعضای **خانواده** باشند... رفتارشان با مادرم بسیار احترام‌آمیز و دوستانه بود همیشه طوری رفتار می‌کردند که گویی مشتاق دیدار مادرم هستند. ما هرگز بگو مگو و اختلافی بین آن دو ندیدیم... آن دو واقعاً مانند دو دوست باهم بودند. در خانه اصلاً مایل نبودند کارهای شخصی‌شان را کس دیگری انجام دهد... ایشان برای بچه‌ها مخصوصاً دخترها ارزش بسیاری قائل بودند. دخترها را نعمت خدا و تحفه‌های ارزنده‌ای می‌دانستند. همیشه بچه‌ها را به **راستگویی** و آرامش دعوت می‌کردند. دوست داشتند آوای صوت قرآن در گوش بچه‌ها باشد. برای همین منظور قرآن را بلند می‌خواندند و به مؤدب بودن بچه اهمیت می‌دادند و رفتار **پدر** و **مادر** را به بچه‌ها مؤثر می‌دانستند. درباره مادرم می‌فرمود: این زن بود که مرا به اینجا رساند. او شریک من بوده است و هرچه کتاب نوشته‌ام نصفش مال این خانم است» [۲۰] نجمه‌السادات طباطبایی، یادها و یادگارها، ص ۴۰.

← شناخت مقتضیات زمان و مکان

«توجه به جهان اطراف» و بررسی «وضعیت حال و آینده» از نشانه‌های بارز استاد والا مقام، مرحوم علامه طباطبایی است ایشان در سال‌های دهه ۳۰ و ۳۰ نقش حساس در هدایت جامعه داشت. با هجوم شیبهات **دشمنان**، سلاح قلم بدست گرفته و کاری کارستان می‌کرد. فلسفه مادی و افکار غربی را پوچ و بی‌مقدار جلوه داد و حساسیت‌های زمان را به کار گرفت. هدایت فوج جوانان کار کم نظیری بود که «علامه» یارای آن را داشت و به خوبی از عهده آن برآمد. پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمة‌الله‌علیه) «حکومت اسلامی» موضوع درس وی گردید و مقالاتی در این زمینه نگاشت و در آنها توانایی حکومت اسلامی را در اداره جامعه و قدرت **ولایت فقیه** را اثبات کرد. [۲۱] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۲/۱۳۶۹، از حجت المسلمین‌هاشمی رفسنجانی.
 [۲۲] عبدالله جوادی آملی، یادها و یادگارها، ص ۷۲.

← همراه با امام و همگام با انقلاب

از دیرزمان ارادت و علاقه وافرایی بین علامه و حضرت **امام خمینی** (رضوان‌الله‌علیهما) به چشم می‌خورد است. چون هر دو از **هوا** و **هوس** به دور بودند نسبت به یکدیگر احترام می‌گذاشتند [۲۳] ابراهیم امینی، یادها و یادگارها، ص ۸۹.
 «رابطه دوستانه آن دو بزرگوار از قدیم برقرار و از شاه و رژیم او منجر بود. وی نسبت به اوضاع جامعه بسیار ناراضی و از شاه و رژیم او منجر بود. یک بار به ایشان گفته شد که شاه تصمیم گرفته است دکترای فلسفه به شما بدهند. ایشان خیلی ناراحت شدند و اعلام کردند به هیچ وجه تن به قبول چنین چیزی نخواهند داد... و در پایان از اصرار زیاد - رئیس دانشکده الهیات آن زمان - گفتند: «من از شاه هیچ ترسی ندارم و حاضر به قبول دکترای نیستم» [۲۴] نجمه‌السادات طباطبایی، یادها و یادگارها، ص ۵۲ - ۵۳.

← جلوه‌های هنری و ادبی علامه

خط نستعلیق و شکسته علامه از بهترین و شیواترین انواع خط بود. گاهی استاد از روزهایی که با برادرش در **تبریز** در دامنه کوه‌های اطراف از صبح تا به غروب به نوشتن خط مشغول بودند، یاد می‌کرد. خطهایی که تعجب ایشان را بر می‌انگیخت و یا سخن از زمانی می‌کردند که علاقه بسیاری به نقاشی داشتند و تمام پول و وقت خود را صرف خرید کاغذ و نقاشی بر آنها می‌نمودند. از جمله جلوه‌های دیگر استاد تجلی ایشان در آینه شعر است. اشعار بسیار ارزشمند و چشمگیری که توسط علامه سروده شده و سرآمد گردیده است. «مرا تنها برد» و «پیام نسیم» و «هنر عشق» از جمله اشعار گرانسنگی است که از علامه باقی مانده است.

← سرانجام

سرانجام پس از ۸۱ سال و ۱۸ روز عمر بابرکت و زندگی پرتلاش، روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسر وارسته به دیار قدسی و ملکوت رهسپار شد. آری در ۱۸ **مهر** ۱۴۰۲ قمری (۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی) غبار غم و بیرق ماتم در سراسر میهن اسلامی برپا شد و دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و دانش غرق‌اندوه گردید. حضرت امام خمینی (قدس‌سره) ضمن اظهار هم‌دردی، با برپایی مجلس ختم برای مرحوم علامه این ضایعه اسفناک را تسلیت گفتند. و در پی آن دیگر مراجع و شخصیت‌های علمی، مذهبی و اجتماعی چون **آیت‌الله العظمی گلپایگانی** (قدس‌سره)، **آیت‌الله خامنه‌ای** و **جامعه مدرسین حوزه علمیه قم** در این ماتم جانگاہ به سوگ نشسته و مراسم بسیاری برپا کردند. شاگردان و دیگر ارادتمندان چشمه فیاض الهی با سرودن اشعاری پربها، غم‌اندوه خود را بیان نمودند. و دیگر افشار مردم یاد و خاطره آن آسوه جاودانه و مرد الهی را گرامی داشتند [۲۵].
جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱ - ۷.

رحمت الهی و درجات خداوندی نصیب همیشه او باد

پانویس

۱. ↑ جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۵۳.
۲. ↑ **کشف/سوره ۱۸، آیه ۴۴**.
۳. ↑ جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۴۲.
۴. ↑ **سیدمحمدحسین حسینی** تهرانی، مهرتابان، ص ۲۸.
۵. ↑ مرتضی مطهری، رک: احیاء تفکر اسلامی.
۶. ↑ جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۹۱ - ۲۱۲.
۷. ↑ **سیدمحمدحسین حسینی** تهرانی، مهرتابان، ص ۴۴.
۸. ↑ **ابراهیم امینی**، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۱ - ۱۳۲.
۹. ↑ **مجله پیام انقلاب**، ۱۳۶۳/۸/۱۹، از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری.
۱۰. ↑ **مجدتقی مصباح یزدی**، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۷.
۱۱. ↑ **سیدمحمدحسین حسینی** تهرانی، مهرتابان، ص ۵۶.
۱۲. ↑ **ابراهیم امینی**، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۲.
۱۳. ↑ **ابراهیم امینی**، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۴.
۱۴. ↑ **ابراهیم امینی**، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۸.
۱۵. ↑ **عبدالله جوادی آملی**، یادها و یادگارها، ص ۵۸ - ۵۹.
۱۶. ↑ **عبدالله جوادی آملی**، یادها و یادگارها، ص ۵۹.
۱۷. ↑ **روزنامه جمهوری اسلامی**، ۱۳۶۴/۷/۲۳.
۱۸. ↑ **عبدالله جوادی آملی**، یادها و یادگارها، ص ۸۲ - ۸۴.
۱۹. ↑ **عبدالله جوادی آملی**، یادها و یادگارها، ص ۶۱.
۲۰. ↑ **نجمه‌السادات طباطبایی**، یادها و یادگارها، ص ۴۰ - ۵۱.
۲۱. ↑ **روزنامه جمهوری اسلامی**، ۱۳۶۹/۲/۱۶، از حجت الاسلام و المسلمین‌هاشمی رفسنجانی.
۲۲. ↑ **عبدالله جوادی آملی**، یادها و یادگارها، ص ۷۲.
۲۳. ↑ **ابراهیم امینی**، یادها و یادگارها، ص ۸۹.
۲۴. ↑ **نجمه‌السادات طباطبایی**، یادها و یادگارها، ص ۵۲ - ۵۳.
۲۵. ↑ جمعی از فضلاء و دانشمندان از شاگردان علامه، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱ - ۷.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «علامه سیدمحمدحسین طباطبایی»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۰۹/۲۲.
سایت فرهیختگان تمدن شیعه، برگرفته از مقاله «سیدمحمدحسین طباطبایی (علامه طباطبایی)»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۰۹/۲۲.

رده‌های این صفحه : مدفونان در حرم حضرت معصومه | مفسران ایران سده ۱۴ (شمسی) | مفسران ایران قرن ۱۴ (قمری) | مفسران ایران قرن ۱۵ (قمری) | مفسران شیعه سده ۱۴ (شمسی)